

یا نبیل قبل علیّ علیک بهائی و ذکرى و ثنائى ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۷۹۲

قائن

جناب نبیل قبل علیّ علیه بهاء الله

بسم الله الأقدس الأعظم الأكبر الأعزّ الأجلّ الأكرم الأوفد الأوحد المتعالی الممتنع
العزیز المنیع

یا نبیل قبل علیّ علیک بهائی و ذکرى و ثنائى طوبى لک بما حضرت لدی الوجه و سمعت نداء ربّک ربّ العالمین و فزت
بما اراد لک انه هو الحاکم علی ما یرید یا نبیل قد حبس الغلام و ارتفع نعیب الغراب سوف تسمعه من اکثر البلاد اذا
سمعت ولّ وجهک شطر الله المقدّس العزیز المحبوب قل

وجّهت وجهی الیک یا من توجّهت الیک افئدة الأصفیاء و لاحت بک وجوه المرسلین اشهد أنّک کنت مستویاً علی
عرش التّوحد لیس لک ندّ فی الابداع و لا شبه فی الاختراع من یدّعی بعدک امراً انه من المفتّرين

قل یا قوم تمسّکوا بهذا الحبل المتین انا نهیناکم عن الأوهام و امرناکم بالتّوجّه الی سلطان الغیب و الشّهود الذی اشرق من
افق الاقتدار انتم اتبعتم اهوائکم و تمسّکتُم بأوهام انفسکم و ظننتم ربّکم غافلاً عنکم لا ونفسی عندی علم ما کان و ما یکون
یشهد بذلک من عرف نفسی و قرأ ما نزل من لدن علیم خبیر انا دارینا مع العباد علی شأن ظنّوا ما ظنّوا الا انهم من
الغافلین قل ایّاکم ان تشرکوا بالله باسمی ارتفعت اعلام التّوحد و ظهرت آیات التّجريد انه هو الفرد الواحد المقتدر القدير

ای نبیل حلم حقّ بمقامی است که بعضی از عباد خود را عالم و عاقل و حقّ را غافل شمرده اند هذا خسران مبین حرکت
نمیکند شیئی مگر باذن و اراده او و خطوط نمینماید در قلوب امری مگر آنکه حقّ باو محیط و عالم و خیر است بسا از
نفوس که ارتکاب نمودند آنچه را که منہی بوده و مع علم بآن از حقّ جلّ فضله اظهار عنایت و مکرمات بر حسب ظاهر
مشاهده نموده اند و این فقره را حمل بر عدم احاطة علمیه الهیه کرده اند غافل از آنکه اسم ستّارم هتک استار را دوست
نداشته و رحمت سابقه حجاب خلق را ندیده ای علیّ لعمری اسم غفارم سبب تعویق عقاب بوده و اسم وهّابم علت تأخیر



ORIGINAL

عذاب تفصیل این ظهور اعظم ذکر نشده الا علی قدر معلوم ناس اگر در ما نزل فی البیان درست تفکر نمایند برشی از طمطم این بحر مرزوق خواهند شد آنچه تأکیدات که در اقرار عباد از سماء اراده مالک ایجاد در بیان نازل شده نظر بآن بوده که شجره ربّانیه و سدره الهیه و قره اعین ظهورات صمدانیه را مشهود و موجود ملاحظه میفرمودند والا بکلمهئی از آنچه نازل شده تکلم نمیفرمودند در این مقام بیان رحمن را بالمشافهه استماع نمودی متوهمین بسیارند و هر یک بوهمی مبتلا شده اند ناس را از موهوم منع نمودیم که بسطان شهود تمسک جویند بعضی باوهامات نفسانیه خود تمسک جسته اند و تشبث نموده اند در تیه وهم سلیرند و خود را از اهل مکاشفه دانسته اند و در مفاز غفلت ماشینند و خود را از فارسان میادین شهود شمرده اند لعمری انهم من المتوهمین انهم من الهائین انهم من الغافلین انهم من الصّاعرین و آنچه را که صبیان ادراک نموده اند هنوز بآن نرسیده اند چه که هر صبیّ عالم است بر اینکه اگر هر روز ظهوری ظاهر شود اوامر الهیه و احکام ربّانیه مابین بریه معطل و معوق و بی نفاذ خواهد ماند

بگو ای قوم اگر هوی شما را از مشرق هدی منع نمود اقلّ از انصاف تجاوز ننماید اگر نفسی فی الجمله منصف باشد هرگز بکلمهئی که سبب تفریق ناس و اختلاف احباب شود تکلم ننمایید بلکه بتمام همّت و قدرت در ارتفاع اسم اعظم سعی بلیغ و جهد منیع مبذول میدارد لعمری هم راقدون لو تراهم بعینی لتجدهم من المیتین در حین مهاجرت از عراق اکثری از عباد را اخبار نمودیم بما ظهر و یظهر چنانچه اگر الواح منزله قرائت شود کل تصدیق مینمایند آنچه را که در این لوح از قلم صادق امین جاری شده قل یا قوم لو تریدون ماء الحیوان تالله انه قد جرى باسمه العلیّ الأبهی طوبی للشاربین و لو تریدون الاقتدار انه اشرق من افقی تعالی ربکم و رب العالمین لو تریدون الآیات انها ملأت الآفاق خافوا و لا تكونن من المتوهمین لو تریدون البینات انها بکینونتها قد ظهرت و اشرقت فی کلّ یوم من هذا الأفق المبین قل ان اجذبوا العباد بهذا الاسم الذی به ظهرت الصّیحة و حققت السّاعة و اخذت الزّلازل کلّ القبائل و انفطرت السّماء و انشقت الأرض و نسفت الجبال و ظهر ما نزل فی الواح الله المقتدر الملک العزیز العظیم من یدعی مقاماً و جذباً و ولهاً و شوقاً بغیر هذا الاسم انه من الأخسرین ولو یتکلم بکلّ البیان او یفجر الأنهار من الأحجار و یسخر الأریاح و یطر السحاب کذلک نزلنا الأمر فی هذه اللیلة المبارکة الّتی ینطق فیها لسان القدم باسمه الأعظم و جرى کوثر البیان من فم ربک الرحمن اذا فزت قم ثم ارفع یدیک قل لک الحمد یا اله من فی السّماوات و الأرضین

ای نبیل بنصایح مشفقانه و مواعظ حسنه از قبل این مسجون احباب را تکبیر بلیغ منیع برسانید و بگوئید الیوم یوم نصرت امر الله است بحکمت و بیان ناظر باصل امر باشید و از دونش معرض که شاید سبب هدایت و اجتماع امم بر شاطی بحر اعظم گردید هیچ فضلی باین فضل معادله ننموده و ننمایید ظهور قلم و مبشر جمالم جمیع بیان را در این ظهور اعظم معلق بکلمه بلی فرموده و کلمهئی از سماء مشیتش نازل نشده مگر آنکه از آن کلمه نفحه قیص حیم استنشاق شده و میشود ناس را از انکار بالمره نبی فرموده اند و حال آنکه مدعیان کذب بسیار مشاهده میشوند و در هر وقت بوده و خواهند بود و احدی تفکر در این نمود که آیا سبب چیست و علتّ چه که جمیع را امر فرموده اند که در آن یوم به بیان و ما نزل فیه از جمال قدم محبوب ثمانند طوبی للعارفین طوبی للمتفرّسین طوبی للمتوسّمین طوبی للفائزین لعمری این نبوده مگر آنکه مشاهده میفرمودند که لسان قدم در قلب عالم بآنه لا اله الا انا ناطق است اگر در بحر این بیان تفکر نمایند و تغمّس کنند بر علتّ تأکیدات لانهایه که در بیان از قلم امر نازل شده مطلع میشوند عرفان این مقام مفتاح علوم حقّ است بر کل لازم است جهد نمایند که شاید بآن فائز گردند و بیقین کامل شهادت دهند قد ظهر محبوب العالمین بگو ای منصفین الیوم یومی نیست که باوهام انفس خود ناس را متوهم نمائید و از شاطی احدیه محروم کنید الیوم یومی است که باین اسم اعظم

ما بین امم ندا نمائید سَخَرُوا الْعَالَمَ بِهَذَا الْأَسْمِ الْمَمْتَنِعِ الْبَیِّنِ حَقِّ وَ ذِکْرِ حَقِّ وَ بَیِّنِ حَقِّ وَ نَیْسِتْ بَعْدَ اَزْ اَوْ مَکْرَ گَراهِ
 آشکار انشاء الله باید بکمال خلق تبلیغ فرمائید نزاع و جدال و محاربه و فساد جمیعاً در این ظهور اعظم نهی شده هذا من
 فضله علی الأُمم ولكنّ النَّاسَ اکثرهم لا یفقهون

بگو ای عباد امر الله را لعب صبیان مشمرید و از احاطه علیّه الهیه غافل مباشید جمیع بوجه منیر و لسان صادق و قلب
 پاک و استقامت تمام و امانت صرف و تقدیس بحت و تنزیه باتّ ما بین بریه مشهود باشید و بذکر و ثنای حقّ ناطق کمر
 خدمت محکم نمائید که شاید در قره عین ایام الله بخدمتی فائز گردید و مرتکب نشوید اموری را که ضررش بر شما و عباد
 الله وارد شود سبب هدایت باشید قولاً و فعلاً اینست نصح اعظم که از قلم قدم جاری شده چندین سنه حمل بلایا و
 رزایا نمودیم تا آنکه امر الله ما بین ما سواه مرتفع و ظاهر شد حال سبب تضييع آن مشوید و ذیل مقدّس را بطین اوهام
 انفس غافله میالائید فواللّٰذی اقامنی مقامه لمن فی السّموات و الأرض که آتی ملاحظه خود را ننمودیم لمیزل و لایزال
 طرف ابهی بافق امر متوجّه نظر بعزّت امر ذلّت کبری را قبول نمودیم و ما اردت نفسی بل نفس الله لو کنتم من
 العارفين و ما اردت امری بل امر الله لو کنتم من المنصفين و عمری امره امری و امری امره طوبی للعارفين ولكن از
 برای حقّ نفوسی است که ندای ما سواه را طنین ذباب داند و من فی العالم را معدوم مشاهده نمایند و از شطر قدم و
 منظر اکبر نظر باز ندارند ایشانند اهل بهاء و ساکنین فلک حمراء علیهم ذکر الله و ثنائه و ثناء الملاّی الأعلی

ای نبیل قبل علیّ بعضی از ناس بسیار بی انصاف مشاهده میشوند در حسن بچستانی مشاهده نما وقتی در عراق بین یدی
 حاضر و در امر نقطه اولی روح ما سواه فداه شباهی بر او وارد چنانچه تلقاء وجه معروض داشت و جواب بالمواجهه از
 لسان مظهر احدیه استماع نمود از جمله اعتراضاتی که بر نقطه اولی نموده آنکه آن حضرت در جمیع کتب منزله حروف حیّ
 را باوصاف لا تخصی وصف نموده اند و من یکی از آن نفوس محسوب و بنفس خود عارف و مشاهده مینمایم که ابداً قابل
 این اوصاف نبوده و نیستم نفس اوصاف سبب ریب و شبهه او شده و غافل از آنکه زارع مقصودش سقایه گندم است
 ولكن زوّان بالتّبع سقایه میشود جمیع اوصاف نقطه بیان راجع است به اوّل من آمن و عدّه معدودات حسن و امثال او
 بالتّبع بماء بیان و اوصاف رحمن فائز شده اند و این مقام باقی تا اقبال باقی والاّ باسفل مقررّ راجع

اینست که میفرماید بسا از اعلیّ شجره اثبات در ظهور نیر اعظم از ادنی شجره نفی محسوب میشوند الأمر بید الله انه لهُو
 الحکیم العلیم اوصاف حضرت نظر بآن بوده که این نفوس بر حسب ظاهر بکلمه بلی فائز شدند و لکن جمیع را تصریحاً
 معلق و منوط باین ظهور اعظم فرموده اند ان رأیته ذکره من قبل لعلک تجده من الرّاجعین الى الله الذّی خلق کلّ شیء
 بأمر من عنده انه ولیّ المقبلین قل ان انصف یا عبد تالله لو تنصف و تفکر فیما نزل فی البیان لتصحیح باسمی و ثنائی بین
 العالمین مخصوص میفرماید به بیان و ما نزل فی البیان و حروفات آن از مظهر رحمن محتجب نمانید چه که کلّ بیان
 ورقه ایست از آن رضوان حقیقی در امر نقطه اولی هم مستقیم نبوده همیشه مضطرب و متزلزل مشاهده میشده عسی الله
 ان یعرفه مطلع امره و یقرّبه الیه انه علی کلّ شیء قدیر مخصوص در بیان بحروفات حیّ خطاباتی فرموده اند که اگر عارف
 بآن شوند البتّه خود را هلاک نمانند که مباد کلمه ئی از مصدر الوهیّه نازل شود که رایحه عدم رضا در حقّ ایشان
 استشمام گردد بگو ای حسن تفکر لتعرف لعلک تجد الى المحبوب سبیلاً بر او لازم کتاب بدیع که باسم یکی از احباب از
 مطلع بیان ربّ الأرباب نازل شده بسیار ملاحظه نماید لعلّه یتخذ المقصود لنفسه محبوباً عجب است که بحر فی از بیان فائز
 نشده اند و تفکر در تأکیدات لا تخصی که از معین قلم اعلیّ جاری شده نموده اند لعمری لو یتفکرون لیعرفون میفرماید اگر

نفسی بیک آیه ظاهر شود ابدأً تکذیب او نکنید و اگر ادعا نماید نفسی من غیر برهان تعرض ننمائید این بسی واضح و مشهود است چون طلعت احدیه مطلع ظهورات عزّ صمدانیه را مشهود ملاحظه میفرمودند و عالم بآن بودند که احدی جز آن طلعت قدم قادر بر ندا نخواهد بود لذا کل را تربیت فرمودند که بر این شریعه جمع شوند و بشأنی در آیات منزله تأکید فرموده‌اند که از برای احدی مجال توقّف و اعتراض باقی نمانده والاّ ابدأً بامثال این کلمات تکلم نمیفرمودند چنانچه حال قلم قدم و اسم اعظم میفرماید اگر نفسی بکلّ آیات ظاهر شود قبل از اتمام الف سنة کاملة که هر سنه آن دوازده ماه بما نزل فی الفرقان و نوزده شهر بما نزل فی البیان که هر شهری نوزده یوم مذکور است ابدأً تصدیق ننمائید در یکی از الواح نازل من یدعی امراً قبل اتمام الف سنة کاملة انه کذاب مفتر نسأل الله ان يؤیّده علی الرجوع ان تاب ان ربّک هو التّوّاب و ان اصرّ علی ما قال یبعث علیه من لا یرحمه ان ربّک شدید العقاب چه که ضرّ این نفوس بحقیقت شجره ربّانیه راجع و سبب اختلاف و جدال و نزاع و تنزل قلوب ضعیفه و عدم استقرار امر مابین بریه بوده و خواهند بود فاسأل الله ان یعرفهم انفسهم و يؤیّدهم علی ما اراد ان ربّک هو الغفور الرّحیم

بگو امر الله را لغو مدانید ای صاحبان ذایقه بحر عذب فرات در امواج بملح اجاج قانع مشوید در بیانات رحمانی تفکر نمائید و بیصر حدید در آن نظر کنید که شاید برشی از بحر معانی که در بیان مستور است فائز شوید و در این فجر روحانی خود و عباد را از هبوب اریاح قیص رحمانی محروم ننمائید قسم بسازج قدم انّ البهآ ینوح علیکم و یکی لکم و ما اراد لنفسه شیئاً و قبل ضرّ من علی الأرض کلّها نخلصکم و نجاتکم و اقبالکم الی الله العزیز الحمید کذلک القینا علیک لتبّلع امر مولاک بالحکمة و البیان انه يؤیّدک و انه هو المستعان البهآ علیک و علی ابنک و علی الذین یسمعون قولک فی امر ربّک العزیز المتّان